

سنگریزه‌ای در میانه راه؛ تلاشی نافرجام برای برهم‌زدن تمرکز ملی

در روز ۲۳ آوریل در برلین، هنگامی که شاهزاده رضا پهلوی پس از یک نشست خبری از ساختمان فدرال پرس کنفرانس خارج می‌شد، فردی به او نزدیک شد و مایعی سرخ‌رنگ به پشت گردن و کت او پاشید. گزارش‌ها این مایع را عمدتاً "آب گوجه" یا "مایع قرمز" توصیف کرده‌اند و فرد مهاجم بلافاصله توسط پلیس بازداشت شد. اما پرسش اصلی اینجاست: چرا چنین حرکتی در چنین زمانی؟ چرا درست در لحظه‌ای که نگاه‌ها در داخل و خارج از ایران به سمت تحولات بزرگ و احتمال تغییرات ساختاری دوخته شده، باید شاهد کنشی باشیم که نه تنها کمکی به گفتگو و آزادی بیان نمی‌کند، بلکه فضای سیاسی را مسموم‌تر می‌سازد؟

برای فهم بهتر ماجرا، کافی است به چند نکته توجه کنیم. نخست آنکه این حادثه در خلأ رخ نداد. شاهزاده رضا پهلوی در همان نشست خبری، نسبت به روند مذاکرات و آتش‌بس میان آمریکا و ایران ابراز تردید کرده و گفته بود که انتظار تغییر رفتار ناگهانی از سوی حکومت ایران واقع بینانه نیست. درست دقیقی پس از این سخنان بود که فرد مهاجم به او نزدیک شد و مایع سرخ‌رنگ را بسوی ایشان پاشید.

در نگاه بسیاری از ناظران، این رویداد تنها یک واکنش هیجانی فردی نبود. سابقه تاریخی نیز نشان می‌دهد که در دهه‌های گذشته، گروه‌هایی که با نظام پادشاهی و سیاست‌های توسعه‌محور دوران پادشاه فقید مخالفت داشتند، بارها به اقدامات مشابه دست زده‌اند؛ از سوءقصد گرفته تا ایجاد فضای رعب و تبلیغات منفی. این الگو، برای بسیاری یادآور همان رفتارهایی است که در نهایت به تضعیف جامعه مدنی و فراهم شدن زمینه برای استقرار جمهوری ننگین اسلامی انجامید. اگر بخواهیم از مثالی ساده و عامه‌فهم استفاده کنیم، این حادثه شبیه آن است که در میانه مسابقه‌ای که سرنوشت یک تیم را تعیین می‌کند، یکی از تماشاگران به عمد توپ را به زمین پرتاب کند تا بازی را مختل کند. هدف نه گل‌زدن است و نه پیروزی، بلکه برهم‌زدن تمرکز و ایجاد آشوب است.

در شرایطی که گزارش‌ها از ایران حکایت از افزایش اعدام‌ها و سرکوب شدید دارد، و در زمانی که بسیاری از ایرانیان چشم به مسیر رهایی از این وضعیت دوخته‌اند، چنین اقداماتی دقیقاً برای انحراف تلاش‌ها و پیکار ملت ایران از مسیر اصلی مبارزه که همانا سرنگونی رژیم است، صورت می‌گیرد.

به باور ما پادشاهی‌خواهان پیشرو، این حادثه نه تنها خللی در اراده مردم ایران ایجاد نمی‌کند، بلکه نشان می‌دهد که برخی جریان‌ها همچنان از تکرار همان اشتباهات تاریخی دست برنداشته‌اند؛ اشتباهاتی که هزینه‌اش را ملت ایران طی بیش از چهار دهه پرداخته است. از دید ما، این حرکت نه تنها مانع راه نمی‌شود، بلکه عزم نیروهای خواهان تغییر را برای حمایت از رهبری دوران گذار و تمرکز بر هدف اصلی، یعنی پایان‌دادن به حکومت کنونی، استوارتر می‌سازد.

اگر هدف آزادی، دموکراسی و آینده‌ای روشن برای ایران است، آنچه اهمیت دارد تمرکز بر مسیر اصلی است، نه واکنش به حرکات حاشیه‌ای. همانگونه که در یک سفر طولانی، سنگریزه‌های کوچک نمی‌توانند مانع رسیدن به مقصد شوند، این حادثه نیز نمی‌تواند اراده جمعی ایرانیان را از مسیر انتخاب‌شده بازگرداند.